

اسناد و نامه‌های امیرکبیر

سید صادق سجّادی

آل داود، سید علی، *اسناد و نامه‌های امیرکبیر*، سازمان اسناد ملی ایران، تهران ۱۳۷۹، ۳۵۸ص.

این کتاب، دومین مجموعه از نامه‌های میرزا اتقی‌خان امیرکبیر است که به کوشش سید علی آل داود منتشر شده و، چنان‌که وی خود اشاره کرده، آن را باید دنباله نامه‌های امیرکبیر به انضمام رساله نوادر الامیر (تهران ۱۳۷۱) به شمار آورد. هر دو کتاب، به لحاظ اشمال بر اسناد سیاسی یک دوره کوتاه و درعین حال خطیر و مهم در تاریخ ایران، حایز اهمیت است. بر اساس اسناد مندرج در آنها، چه بسا بتوان از زاویه دیگری نیز به شخصیت و سیاست امیرکبیر و ناصرالدین شاه نگریست. آنچه در کتاب اخیر آمده عمدتاً مشتمل است بر مجموعه اسناد متعلق به امیر در سازمان اسناد ملی ایران، وزارت امور خارجه، کتابخانه مجلس و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. این نامه‌ها و اسناد بر چند بخش تقسیم شده است: نامه‌های امیر به ناصرالدین شاه، نامه‌های شاه به امیر، نامه‌های امیر به دولتمردان و کارگزاران ایرانی و یا سفیران دول بیگانه، و اسناد و نوشته‌های دیگران درباره او. افزون بر این، آل داود داستان‌های رایج میان مردم درباره امیر را، اعم از آن‌که اصلی تاریخی داشته یا نداشته، گرد آورده و نیز گزارش وزیرمختار ایران در فرانسه به امپراطور فرانسه درباره اوضاع ایران در عصر ناصری را به عنوان ضمیمه به کتاب افزوده که خود حاوی نکات مهمی درباره اصطلاحات عصر امیر و آشنایی ایرانیان با فکر و تمدن غرب است. مؤلف، در آغاز کتاب، شرح مختصری درباره امیر و فعالیت‌ها و مأموریت‌های سیاسی او، از پایان دوره سلطنت فتح‌علی‌شاه به این سو، و فکر

اصلاح‌طلبی و برخورد امیر با تمدن جدید عرضه داشته است. باید گفت که آنچه تاکنون دربارهٔ امیر نگاشته شده با نوعی شیفتگی همراه بوده و نویسندگان و محققان اجازهٔ بررسی انتقادی کارهای او را به خود نداده‌اند. در حقیقت، شخصیت نیرومند امیر و اهمیت اصلاحات مهمی که در همان دورهٔ کوتاه صدارتش به عمل آورده به حدی است که بسیاری از ایرانیان و دولتمردان برجسته و مؤثر ایرانی عصر قاجار را تحت‌الشعاع قرار داده و موجب غفلت غالب محققان از تحقیق در نقش سیاسی و اجتماعی و فرهنگی اینان و تحلیل بی‌طرفانه و علمی این نقش شده است.

به اظهار آل داود، بسیاری از اسناد و نامه‌هایی که در این مجموعه آمده اول‌بار است که منتشر می‌شود. به‌علاوه، توضیحات جالب توجهی دربارهٔ محل نگهداری این اسناد و نامه‌ها به دست داده شده است. غالب اسناد از آلبوم‌ها و اسناد متفرقهٔ بیوتات محفوظ در سازمان اسناد ملی و نیز مجموعهٔ اسناد شخصی به نام امیرکبیریان بوده که سازمان مذکور آنها را خریده و اکنون در دفتر این سازمان در تبریز نگهداری می‌شود. آل داود فهرست خوبی از همهٔ این اسناد ترتیب داده است. بخشی دیگر از اسناد و نامه‌ها متعلق است به وزارت امور خارجه که گویا سال‌ها پیش عباس اقبال و قاسم غنی آنها را شناسایی و بررسی کرده و فهرستی از آن ترتیب داده بودند. در کتاب‌خانهٔ مجلس نیز، دو مجموعه از نامه‌ها و اسناد مربوط به امیر موجود است. مجموعهٔ اول شامل ۱۶۰ نامه از امیر به شاه است که آل داود آنها را در کتاب پیشین خود منتشر کرده بود. مجموعهٔ دوم مکاتبات درباری از امیر و دیگران است که گویا به دستور ناصرالدین‌شاه مدون و صحافی و در کتاب حاضر نقل شده است. نامه‌ها و اسناد محفوظ در کتاب‌خانهٔ مرکزی دانشگاه تهران نیز قبلاً به همّت عباس اقبال و قاسم غنی در دو مجموعه گردآوری شده بود و آل داود در این کتاب فهرست آنها را به دست داده است. آنچه در بایگانی دولتی استانبول دربارهٔ امیر وجود دارد، به سبب روابط خاص ایران و عثمانی و کشمکش‌های این دو دولت در این عصر، بسیار مهم می‌نماید و نشان می‌دهد که دول نیرومند، بر خلاف آنچه نشان می‌دادند، همواره در تمامیت ارضی ایران اختلال ایجاد می‌کردند.

بیشتر نامه‌های بخش اول به خط خود امیر است که در دوران صدارتش نوشته و بعدها به دستور ناصرالدین‌شاه گردآوری شد و وی دیباچه‌ای بر آن نوشت. این نامه‌ها تاریخ کتابت ندارد. اما نامه‌های شاه به امیر، که بخش دوم را تشکیل می‌دهد، تاریخ‌دار است و

در حواشی برخی از آنها خط ناصرالدین‌شاه دیده می‌شود. از نامه‌های امیر به شاه و آنچه شاه در حواشی آنها نگاشته برمی‌آید که وی برای مقاصد اصلاح‌گرایانه امیر احترام خاصی قایل بوده، حس وطن‌خواهی بسیار داشته، و مخالف سیطره‌جویی سفرای بیگانه بوده است. با این همه، ابداً نمی‌توان گفت که شاه، با وجود صدراعظمی چون امیر، در امور دخل و تصرفی نداشته است. از مفاد برخی نامه‌ها برمی‌آید که شاه از جزئیات امور مطلع بوده و در آنها دخالت داشته ولی سیاست و نظر کلی امیر را رعایت می‌کرده است. از عریضه‌های امیر به شاه نیز مراتب احترام عمیق و ارادتش به شاه پیداست.

در مورد تقدم و تأخر نامه‌های بی‌تاریخ امیر در این مجموعه، به نظر می‌رسد تجدید نظری لازم باشد؛ چون از مضمون برخی از آنها برمی‌آید که در رعایت ترتیب مسامحاتی رفته (مثلاً نامه‌های شماره ۹ و ۱۵ که مربوط به پایان صدارت امیر است و باید در پایان این بخش قرار گیرد) و ظاهراً از همان ترتیب مجموعه اصلی یعنی آلبوم بیوتات پیروی شده است. نکته دیگر آن‌که موجبات نگارش بسیاری از نامه‌ها معلوم نیست، هرچند از مضمون نامه‌ها تا حدی می‌توان این انگیزه را دریافت. بجا و سودمند بود اگر مصحح، با مراجعه به منابع، این موجبات و حوادث مربوط به آنها را می‌یافت و به اجمال ذکر می‌کرد. از نامه‌های امیر به دیگران، به‌ویژه وزرای مختار و سفرای دول بیگانه (مثلاً نامه‌های شماره ۴، ۶، ۹ بخش سوم) برمی‌آید که وی بسیار می‌کوشیده تا با دول قدرتمند روابط حسنه و بر اساس احترام متقابل با حفظ منافع کشور ایجاد کند و در این معنی با شاه رایزنی می‌کرده است (نامه شماره ۱۰). وی سفرای دولت ایران را نیز به حفظ منافع ایرانیان خارج از کشور تشویق می‌کرد (نامه شماره ۱۲). بخش مهمی از این نامه‌ها (نامه‌های شماره ۱۹ تا ۲۳) را اعتراضات و شکایات امیر به سفرای روس و انگلیس نسبت به تجاوزات دولت عثمانی به خاک ایران تشکیل می‌دهد. شماری دیگر (نامه‌های شماره ۷ تا ۹، ۱۵) از این نامه‌ها مربوط است به موافقت دولت ایران با منع برده‌فروشی در خلیج فارس و سواحل ایران که بسی حایز اهمیت است. بخش آخر کتاب، یعنی حکایات مربوط به امیرکبیر، در جای خود قابل توجه و سزاوار تحلیل است، به‌خصوص از این جهت که همه بازتابی است از آرزوهای نهفته مردمی که همواره جویای دادگری و نیکمردی بوده‌اند.

□